

بسم الله الرحمن الرحيم - المستعان بك يا صاحب الزمان

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار ساعی و استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست
یا تشکر از برادر عزیزم محسن پهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند
اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم
این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود
این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم
نواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی پسند

توضیحات

بیان شهیدین یا رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست
اما هو المراد من الرهن - شهید اول
و یجوز تعلیق - شهید ثانی

توجه

معنا مصدری

من الارث استحقاق ارث به دیگری
استحقاق انسان نموت آخر ینسب، او سبب شئنا بالاسالة
اسم مفعول
او من الموروث مال موروثی
« ما ینستحقه انسان » اِلی آخره

مقدمه

فرائض در لغت به دو معنا آمده ست
ما یم الاجمال یعنی علاوه بر معنای تفصیلی، شامل مواردی که در ارث اجبات ارثان بیان شده است مثل پسر نیز میشود
در برخی کتب به نام فرائض آمده ست
بهنتر این ست که میراث گویم زیرا در کتاب فرائض باید تاویل ببریم
فرائض سهم های مشخص
میراث مطلق سهم + سهم مشخص

ان سب و علته که ارث را ثابت می کند

با این دو قید وصیت خارج میشود
در صورت بودن یک نفر از طبقات بالا، به طبقات پایین تر ارث نمیرسد
در درجات یک درجه مانع از رسیدن ارث به هم طبقه خودش نمیشود
تکته گفتیم موجبات و مقتضی ارث، زیرا علت ثابته نیست؛ یعنی ممکن است با مانعی مواجه شود، و موجب ارث بردن نشود
مثلاً اگر میت مرد و فرزند و خواهری دارد، اما چون فرزند قاتل است ارث به او نمیرسد و نوبت به خواهر او میرسد
در برخی موارد در شرح لعمه «مرتبه» در معنا «طبقه» به کار رفته است و برخی موارد به معنا «درجه» لذا باید دقت کرد

توجیب الارث التسنیب و السبب

تعریف ارتباط و اتصال یک فرد به فرد دیگر که از طریق تولد شرعی حاصل می شود
اولا نسب همیشه بین افراد انسان حاصل می شود
کسی سگی داشته باشد سگ از آن ارث نمی برد
تولد فرزند از پدر، راه و اتصال هست
گاهی وقتها تولد از راه غیر شرعی هست

کتاب المیراث

ط اول و الاولاد فرزندان میت
و ان نزلوا و اگر نبودند نوه های میت
ط دوم و الامهات قطف پدر و مادرند
دون ابانهم و در صورت عدم وجود پدر مادر نوبت به پدر بزرگ و مادر بزرگ نمیرسد
اخ و اخت
حتی عمو و خاله و دایی نیز سه دسته اند

ط سوم و الاغنام و الاخوان
ط دوم تم
ط سوم تم

تکته کبری کلی در ارث
لا یرث احد من المرتبة التالية مع وجود واحد من المرتبة السابقة خال عن الموانع

تعریف هو الاتصال بالزوجية أو الولاء
زوجیت الزوجية
برخه قرار دادها که باعث یک نحو ولایه و قرب معنوی میشود

و الاعتاق و الاعتاق
یعنی اگر برده بعد از آزاد شدن مرد و اموالی داشت و وارث هم نداشت، اینجا اموالش به معتق میرسد
یک نوع بیمه بین اشخاص در جرایم خطایی
(نه جرایم عمدی که قصاص آور است)

ولایت و ضمان الجريرة
الیتنه میتواند این فرار داد دو طرفه یا یک طرفه باشد
پیمان خاصی برای حمایت مالی دو طرفه در بدهی های قضایی

و الیمامة اگر مبتنی و ارثی نداشته باشد، به امام معصوم میرسد
تکته و الزوجية من هذه الاسباب تجامع جميع الورث و الاعتاق لا یجامع مع النسب و یقدم علی ضمان الجريرة المقدم علی ولا الیمامة

الفصل الأول فی الموجبات و الموانع

الفصل الثانی فی السهام و أهلها

الفصل الثالث فی الولاء

الفصل الرابع فی التوابع و فیه مسائل

التوابع

بسم الله الرحمن الرحيم - المستعان بك يا صاحب الزمان

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ای استاد بزرگوار ساعی در استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی است با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلیعی تا اجتهاد قرار دادند
اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر بر میگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم
این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی است که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود
این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم
توابع این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی پسند

توجه - بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده است
- اما هو المراد من الرهن - شهید اول
- و يجوز تعلیق - شهید ثانی

مقدمه

التوجیبات

مقدمه - دو شرط اساسی دریافت ارث - وجود اسباب - نسب و سبب
- نبود موانع - موانع متعدد هستند شهید اول در دروسی به ۲۰ مورد اشاره میکند
مراد از کفر، جمیع اصناف کفر می باشد - **حَرْبِيًّا اَمْ دِيْنِيًّا اَمْ خَارِجِيًّا اَمْ نَاصِبِيًّا اَمْ غَائِبِيًّا** - حتی اگر آن فرد خود را به اسلام نسبت دهد
فَلَا يَرِثُ الْكَاْفِرُ الْمُسْلِمَ - کافر از مسلمان ارث نمی برد - هرچند کافر در طبقه بالاتری نسبت به باقی وراثت مسلمان داشته باشد
و **الْمُسْلِمُ يَرِثُ الْكَاْفِرَ** - اما مسلمان از کافر ارث می برد - حتی اگر بین وراثت کافر فقط یک مسلمان باشد همه ارث به او میرسد - مثلاً فقط پسرعمو میت، مسلمان است
معتقد اگر از باب قره ای الله برده ای را ازاد کند، یک نحوه و لایه بین این دو فرد ایجاد میشود
یعنی اگر برده بعد از آزاد شدن مرد و اموالی داشت و وارث هم نداشت، اینجا اموالش به معتق میرسد
الْمُعْتَقُ (اَزَادَه كُنْدَه)
بیه های عمر دو طرفه هست؟
اگر مسلمان هیچ ورثه مسلمان دیگری نداشت
و **لَوْ لَمْ يَخْلَفِ الْمُسْلِمُ قَرِيْبًا مُسْلِمًا كَانَ مِرْثَاةً لَه**
لَمْ يَخْلَفِ الْخَرِيْزَةَ - یک نوع بیمه بین اشخاص در جرایم خطایی - مثلاً میگوید هر زمانی که خطایی کردی من تو را ضامن میشوم، هرکس که ضامن شود از طرف دیگر ارث نیز میبرد
لَمْ يَلْمِ الْاِمَامَ - اگر میتی وارثی نداشته باشد، به امام معصوم میرسد
و **لَا يَرِثُهُ الْكَاْفِرُ بِحَالٍ** - نکره در سیاق نفی؛ یعنی در هیچ صورتی کافر از مسلم ارث نمی برد
وارث سنی از میت شیعه ارث می برد و برعکس بنا به نظر مشهور
نکته - اگر هیچ وارث مسلمانی نداشته باشد (باشد اولو ضامن جریزه مسلمان - و اگر هیچ ورثه کافری هم نداشته باشد دارایی اش به امام ع می رسد)
ورثه کافر از او ارث می برد

الفصل الأول فی الموجبات والموانع

ارث بر بن تازه صلغان از صلغان دیگر

قَبْلَ قِسْمَتِهِ - شریک در ارث میشود - **اِنْ كَانَ مُسَاوِيًا** - اگر تازه مسلمان یا ورثه هم مرتبه باشد
و **اَلْفَرْدَ** - همه ارث برای تازه مسلمان هست - **اِنْ كَانَ اَوْلٰی** - اگر تازه مسلمان در مرتبه بالاتری از ورثه باشد
تقسیم قبول نیست - (مشارکتی فی الجمیع) - و باید در تمام اموال شریک شود - چه آنهایی که قبلاً تقسیم شده
اموالی که هنوز تقسیم نشده است - (فی البیانی) - مواردی که باقی مانده و هنوز تقسیمی صورت نگرفته بین آنها تقسیم میشود - **اَوْجُهًا، اَوْسَطُهَا اَلْوَسَطُ** - چه آنهایی که هنوز تقسیم نشده است
با شروع تقسیم - (متع منها) - چون تقسیم شروع شده و انجام شده، چیزی به او نمیرسد - هیچ سهمی از اموال چه آنهایی که تقسیم شده چه نشده ندارد
بقول **اَوْ اِخْتِيَارَ نَهْلِ الشَّرِكَةِ اِلٰى بَيْتِ الْمَالِ** - او اختیار نهل شرکه ای ببيت المال - به محض موت همه ی ارث به امام می رسد و تقسیمی در کار نیست - **وَجِهَ الْاَوَّلُ وَالصَّح**
در حالی که فقط یک کافر وارث باشد - **اَوْ تَوْرِيْثَ الْمُسْلِمِ مَطْلَقًا اَقْوَالٌ** - او توريث المسلم مطلقاً اقوال - یعنی دست امام به امانت باقی می ماند تا ورثه مسلمان شود
با در حالی که میت مسلمان ورثه ای کافری دارد که بعد از تقسیم ارث تازه مسلمان شده است - **اِنْ الرَّوْجَ كَالْوَارِثِ الْمُتَّحِدِ** - **وَالاَوْلٰی** - **وَالاَوْجُهَ كَالْمُتَّحِدِ**
بعد تقسیم
و **اِنْ كَانَ الْوَارِثُ وَاجِدًا** - **اَسْمُ الْعَدُوِّ** - **وَالاَوْلٰی**
و **اِنْ كَانَ الْوَارِثُ اَحَدَ الْاَوْجُهِيْنَ** - **فَالاَوْلٰی** - **وَالاَوْجُهَ كَالْمُتَّحِدِ**

و يَمْتَنِعُ الْاِرْثُ الْكَاْفِرُ

و اِذَا اَسْمُ الْكَاْفِرِ عَلٰى حِيْرَاتٍ

التوجیبات

مقدمه - نکته - همه قوانین ارثداد شخصی نیست بلکه اجتماعی است - مثلاً فرد مسلمانی مسیحی شده و علنا اعلام کند
تعریف - **وَهُوَ الَّذِي اِنْعَدَّ وَاخَذَ اَبُوْهَ مُسْلِمًا** - پدر یا مادرش مسلمان باشند
عَنْ فِطْرَةٍ - **لَا تُقْبَلُ تَوْبَتُهُ** - یعنی باید کشته شود ظاهراً
و **تَقْسِمُ تَوْبَتُهُ** - **بَيْنَ وَرَثَتِهِ بَعْدَ فِضَاءِ ذَنْبِهِ مَهْلًا** - اِنْ كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ
حکم - **وَاِنْ لَمْ يَقْتُلْ** - مثلاً فرار کند یا امکان تسلط و قتل وی نباشد
درسته که و علنا برتد شده اما شاید در باطن واقعا توبه کرده است
و **تَرْتَهَ الْمُسْلِمُوْنَ لَا غَيْرَ** - لذا حکم ظاهر از باطن جدا کرد، و او را نازل منزله مسلمان در بسیاری از احکام میدانیم
پس اگر فرزندی داشته باشد عیادت های زمان ارثدادش را باید قضا کند
تعریف - **مَرْتَدٌ عَلٰی** - **وَهُوَ الَّذِي اِنْعَدَّ وَ لَمْ يَكُنْ اَحَدَ اَبُوْهَ مُسْلِمًا**
و **عَنْ خَيْرِ فِطْرَةٍ** - ابتدا او را نمی کشیم بلکه - **يُسْتَنْابُ** - **فَاِنْ تَابَ** - **فِيْهَا الْمَرَادُ**
و **لَا يُقْسَمُ مَالُهُ حَتّٰى يَقْتُلَ** - **اَوْ يَمُوْتَ**
و **لَا تُقْتَلُ بِالْاَرْتَادِ** - **لِلنَّصْرِ عَقْلًا**
و **لَكِنْ** - **تُجَنَّبُ**
و **تُحْرَبُ اَوْقَاتُ الصَّلٰوَاتِ** - **حَتّٰى تَتُوْبَ اَوْ تَمُوْتَ**
لولا انرا نبود **اِنَّ الْعُدُوْدَ لَنَدْرًا بِالْمَشِيْئَاتِ** - مجازات و حدود الهی به وسیله شهوات دفع میشود - یعنی اگر جایی شک کردیم که این حد الهی جاری بشود یا نشود، حد و مجازات الهی اجرا نمیشود
و **كَذٰلِكَ الْخُلْفٰى** - (قاعده دره) (بارگشتش به اصالت برائت است)
به دو دلیل خنثی حکم قتل بر آن جاری نمیشود - **اِنَّ الْمَرْءَ يَقْتُلُ**

و القتل مانع
و الرق
و اللعان مانع من الارث
و الحمل مانع من الارث
و الغائب غيباً منقطعاً لا يورث
و تلحق بذلك
الجنب

المقتل الثانی: فی السهام و أهلیها
المقتل الثانی: فی الولاء
المقتل الرابع: فی التوابع و قبیة سبائیل

کتاب الميراث

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار ساعی و استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوار این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی های ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم ثواب این اثر را هدیه میکنم به روح مظهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی پسند

توضیحات

اما هو المراد من الرهن | شهید اول
و یجوز تملیک | شهید ثانی

توجه

بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست

مقدمه

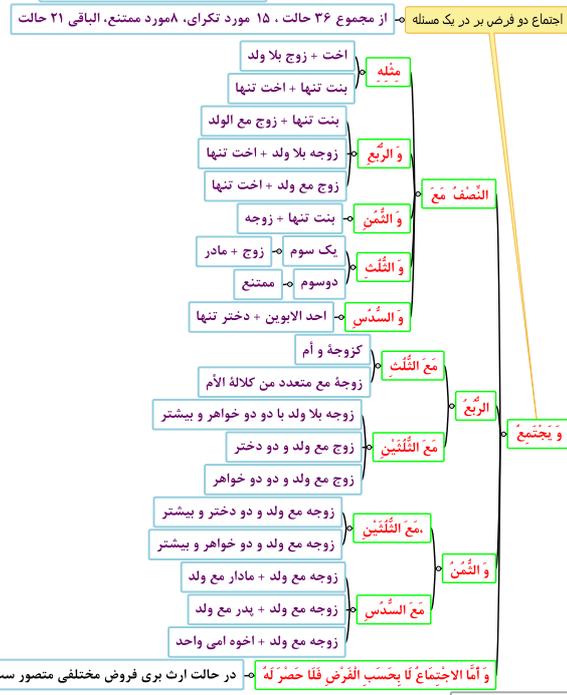
الفصل الأول فی الموجبات والموانع

شش سهم برای 15 گروه



کتاب المیراث

و هی فی کتاب
الله تعالی
التصاف والرابع
والثمن والثنتان
والسدس والثالث



الفصل الثانی: فی السهام و أهلها

- خلاصه سهام قرآنی
- اجتماع دو سهم قرآنی
- و نا میراث للغصبة
- و نا عول فی الفرائض
- مسائل
- القول فی میراث الأجداد و الإخوة و فیه مسائل
- القول فی میراث الأعمام و الأخوال، فیه مسائل
- القول فی میراث الأزواج
- الفصل الثالث: فی الولاء
- الفصل الرابع: فی التوابع و فیه مسائل

توضیحات
 توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار ساعی در استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست
 با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند
 اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم
 این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود
 این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم
 ثواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی بسند

اما هو المراد من الرهن | شهید اول
 و یجوز تعلیق | شهید ثانی

توجه: بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست

مقدمه

الفصل الأول فی الموجبات و الموانع

وهی فی کتاب الله تعالی: النُّسْفُ وَ الرَّبِيعُ وَ الثَّمَنُ وَ الثُّنْثَانُ وَ الثَّلْثُ وَ السَّدْسُ



کتاب المیراث

الفصل الثالث: فی الوَلَاءِ

الفصل الرابع: فی التَّوْبِيعِ وَ فِيهِ مَسَائِلُ

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار ساعی و استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم ثواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی پسند

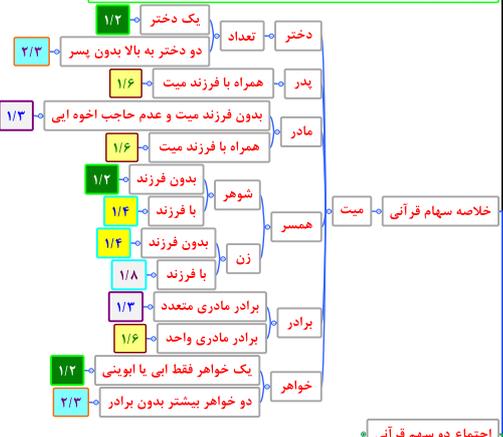
اما هو المراد من الرهن - شهید اول
و يجوز تغلیق - شهید ثانی

توجه - بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست

مقدمه

الفصل الأول فی الموجبات و الموانع

و هی فی کتاب الله تعالی: الْمَرْفُ وَالرَّبِيعُ وَالشُّنُ وَاللُّثْنَانُ وَاللُّثْنُ وَالسُّدُسُ



زیادت فرض(ما ترک) بر سهم

تعصیب یعنی فاضل فریضه را فقط به اولاد ذکور دادن
اگر اولاد ذکور نبود به ذکور طبقه بعد میدهند
زیادی فریضه، را به صورت ردّ بر اساس نسبت
فرائض بین وراث مونت یا مذکر تقسیم میشود
اگر فردی مرده است و فقط یک دختر دارد، این دختر یک دوم از باب فرض از میت میبرد و از باب رد یک دوم دیگر را نیز می برد

کتاب المیرات

الفصل الثانی: فی السّهام و أهلیها

اقوام ذکور

و لا میرات للمعصبة



درین نظرات محدوده حذفی

و الأقرب إرثته مع الزوجة إن كان حاضراً - زوجه اگر امام حاضر باشد، فقط یک چهارم میبرد(در صورت نبود فرزند) و سه چهارم باقی مانده به امام میرسد

شرط ایجاد عول - وجود زوج یا زوجه به همراه خویشاوندان متوفی است

مثلاً - اگر میت میبرد و وراث ذیل باشند (یک چهارم) / بنتین (دو سوم) / مادر (یک ششم) / پدر (یک ششم) - اینجا مجموع سهام پانزده دوازدهم میشود که از ما ترک میت بیشتر است

از انهایی که سهم بیشتری دارند کم میکنم



شیعه - دلیل خاصی داریم که از برخی از وراث کم میشود، نه از همه

اهل سنت

طبق نظریه عول باید از همه وارثان این مقدار زائد (یعنی سه دوازدهم) کم کنیم
حَتَّى جَعَلُوهُ مَوْزَعًا عَلَى الْجَمِيعِ بِالْحَاقِ السَّهْمِ الزَّائِدِ (در این مثال: سه دوازدهم) لِلْفَرِیضَةِ

مسائل

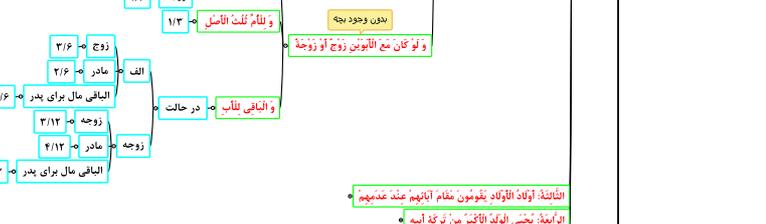
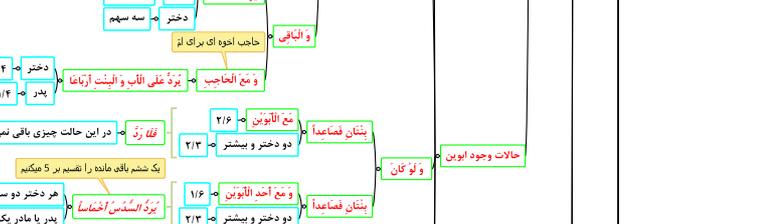
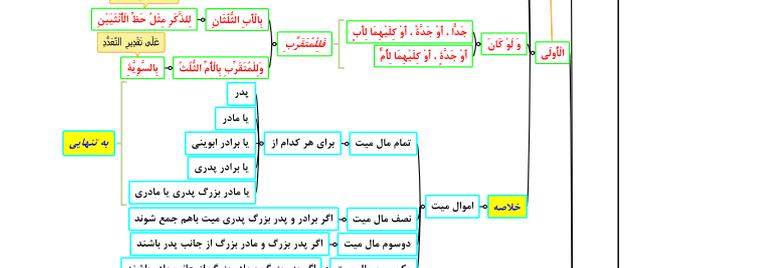
- القول فی میرات الأجداد و الإخوة و فیہ مسائل
- القول فی میرات الأعمام و الأخوال، فیہ مسائل
- القول فی میرات الأزواج

الفصل الثانی: فی الوثاء

الفصل الرابع: فی التّوابع و فیہ مسائل



الفصل الأول فی المویجات و الموانع



کتاب المیراث

الفصل الثانی: فی السهام و أهلها

مسائل

الثانیة

الفصل الثانی: فی الولاء

الفصل الرابع: فی التوابع و فیه مسائل

- الثانیة: اولاد الأولاد یقومون مقام آبائهم عند عدمهم
- الرابعة: یخصی الولد الأكبر من ترکة آیه
- الخامسة: لا ترث الأجداد مع الأبویں
- القول فی میراث الأجداد و الإخوة و فیه مسائل
- القول فی میراث الأعمام و الأخوال، فیه مسائل
- القول فی میراث الأزواج

بسم الله الرحمن الرحيم

المستعان یک یا صاحب الزمان

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار ساعی ور استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لقمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر بر میگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم نواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی پسند

توجه - بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست - **اما هو المراد من الزمان** - شهید اول - **و يجوز تلیق** - شهید ثانی

الفصل الأول فی الموجبات و الموانع

و هی فی کتاب الله تعالی: التَّصَفُّ وَ الرَّبِيعُ وَ الثَّمَنُ وَ التَّلْتَانُ وَ التَّلْتُ وَ السَّدَسُ

- مقدمه
الأولی
الثانیة

در صورتی که از میت هیچ فرزندی باقی نمانده باشد بین نوه ها تقسیم صورت میگیرد آیا نبودن پدر و مادر میت شرط ارث بردن نوه هاست؟ - اختلافی - مشهور - نوه یا پدر و مادر ارث میبرد - اگر پدر یا مادر میت باشند، نوه ارث نمیرد - نوه ها قائم مقام فرزندان میت هستند - کیفیت ارث بردن نوه ها؟ - مشهور - **يَأْخُذُ كُلُّ مَنَّهُمْ تَصِيبٌ مِّنْ يَنْقَرِبُ بِهِ** - اما نوه دختری با اینکه پسر است، یک سهم میبرد - اگر نوه ها متعدد باشند - **وَ يَقْتَسِمُونَ بَيْنَهُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثَىٰ** - پسر ها دوبرابر دختر ها سهم می برند

الثالثة: أولاد الأولاد يقومون مقام آبائهم عند عديمهم - نحوه ی تقسیم ارث نوه ها

سوال - آیا این حیوه مستحب یا واجب است؟ - مشهور - هم واجب است و هم مجانی است - آیا این حیوه مجانی است یا در ازای چیزی به او میدهیم؟

ار مخصصات شیعه - **الرأبئة: یعنی الوالد الأكبر من تركه أیه** - **و يشرط** - **أن لا يكون سفيهاً و لا فاسداً الرأی (غیر شیعه)** - **و أن يخلف الميت مالا غيرها** - در صورتی که میت بعد از خودش مالی به جای بگذارد حیوه به پسر بزرگتر می رسد - **و عليه قضاء ما فاته من صلاه و صيام** - **و لو كان الأكبر أنفى أعطى أكبر الذكور** - نكته

احداد در صورت وجود پدر و مادر ارث نمی برند

الفصل الثاني: فی السهام و أهلها

و يستحب لهما (ابوی ابوی) الطعمه - تعریف طعمه - مستحب است ابوی اگر از یک ششم بیشتر ارث بردن

مشهور - **حيث يقبل أحدهما (ابوی) سدس فصاعداً فوق السدس** - اگر پدر یا مادر میت علاوه بر ۱/۶ قرانی، ۱/۶ مازادی از باب قرابت ببرند

و ربما قيل - **يُطعم حيث يزيد نصيبه عن السدس** - یعنی شرط ثبوت طعمه - وجود ۲ سهم ۱/۶ برای پدر یا مادر هست - مستحب ست یک ششم زائد را به پدر بزرگ یا مادر بزرگ بدهند

الثامسة: لا تراث الأجداد مع الأبوين - در این دو مثال سهم مازاد کمتر از ۱/۶ هست پس فقط طبق قول ابن جنید طعمه اثبات میشود

نظارت دو قول - **في اجتماع** - **في اجتماع**

حما مع البنات - **حما مع البنات**

فإن الفاضل ينقض عن سدس - **فإن الفاضل ينقض عن سدس**

أواحدهما مع البناتين - **أواحدهما مع البناتين**

مخاسبه - **مخاسبه**

دختر - **دختر**

پدر مادر - **پدر مادر**

مآزاد - **مآزاد**

خروجی - **خروجی**

کمیتر از ۱/۶ به هر نفر می رسد - **کمیتر از ۱/۶ به هر نفر می رسد**

پس طبق قول اول چون به حد ۱/۶ اضافی نرسید لذا طعمه ایی در کار نیست - **پس طبق قول اول چون به حد ۱/۶ اضافی نرسید لذا طعمه ایی در کار نیست**

نیزونام تطیق دهم - **نیزونام تطیق دهم**

فستخبط الطعمه علی القول الثانی - **فستخبط الطعمه علی القول الثانی**

دو دختر - **دو دختر**

مادر یا پدر - **مادر یا پدر**

مآزاد - **مآزاد**

خروجی - **خروجی**

کمیتر از ۱/۶ به هر نفر می رسد - **کمیتر از ۱/۶ به هر نفر می رسد**

پس طبق قول اول چون به حد ۱/۶ اضافی نرسید لذا طعمه ایی در کار نیست - **پس طبق قول اول چون به حد ۱/۶ اضافی نرسید لذا طعمه ایی در کار نیست**

الفصل الثالث: فی الولاء

الفصل الرابع: فی التوابع و فيه مسائل

القول فی ميراث الأجداد و الإخوة و فيه مسائل

القول فی ميراث الأعمام و الأخوال. فيه مسائل

القول فی ميراث الأزواج

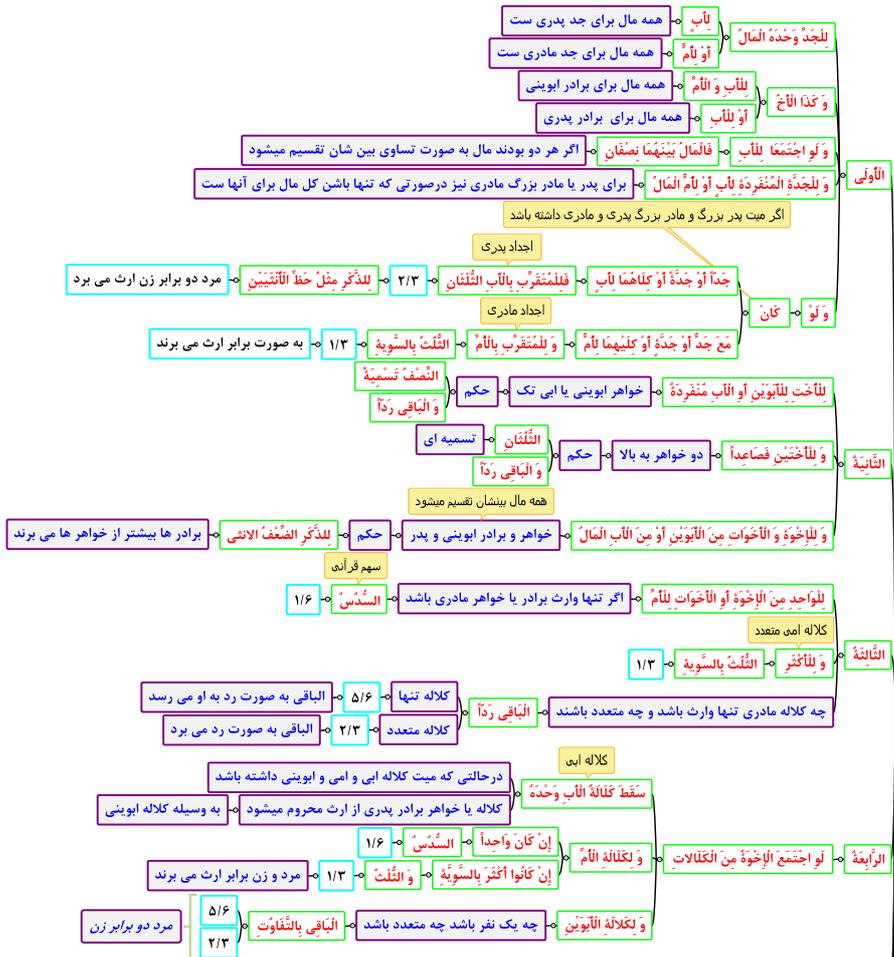
المستعان بك يا صاحب الزمان

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار ساعی و استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست
با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند
اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیق برمیگرد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم
این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود
این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم
ثواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی پسند

توجه بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست
اما هو المراد من الرهن شهید اول
و یَجُوزُ تَغْلِیقُ شهید ثانی

الفصل الأول في الموجبات و الموانع

و هي في كتاب الله تعالى: **الْمَنْفَعَةُ وَالرَّبِيعُ وَالشُّمْنُ وَالشُّكَّانُ وَالثَّلَثُ وَالسُّدُسُ**
مَسَائِلُ



كتاب الميراث

الفصل الثاني: في السهام و أهلها

القول في ميراث الأجداد و الإخوة و فيه مسائل

- خلاصه
- الخامسة
- السادسة
- السابعة
- الثامنة
- التاسعة
- العاشره
- الحادية عشرة
- الثانية عشرة
- القول في ميراث الأعمام و الأخوال. فيه مسائل
- القول في ميراث الأزواج

الفصل الثالث: في الوثاء

الفصل الرابع: في التوايع و فيه مسائل

بسم الله الرحمن الرحيم

المستعان یک یا صاحب الزمان

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار سامی ور استخراج شده که اثر برادر عزیز محمد علی هراتی ست با تشکر از برادر عزیز محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند. اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم ثواب این اثر را هده به میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی پسند

توجه: بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست - اما هو المراد من الرهن - شهید اول و تجرؤ تعلیق - شهید ثانی

الفصل الأول فی الموجبات و الموانع

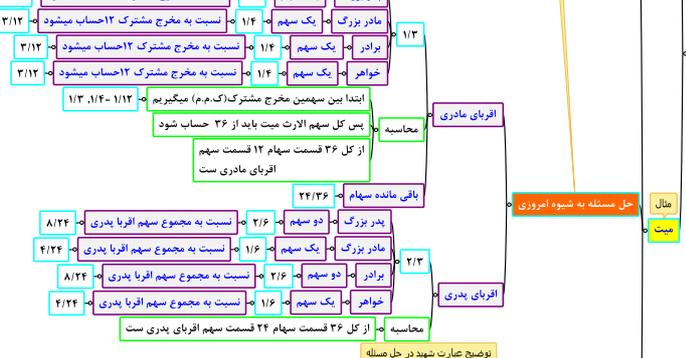
و هی فی کتاب الله تعالی: المَنْفَعُ وَ الرَّيْحُ وَ التَّمَنُّ وَ التَّمَنُّانُ وَ الْفَلْتُ وَ السَّدَانُ

سئال

خلاصه



التامة



طال

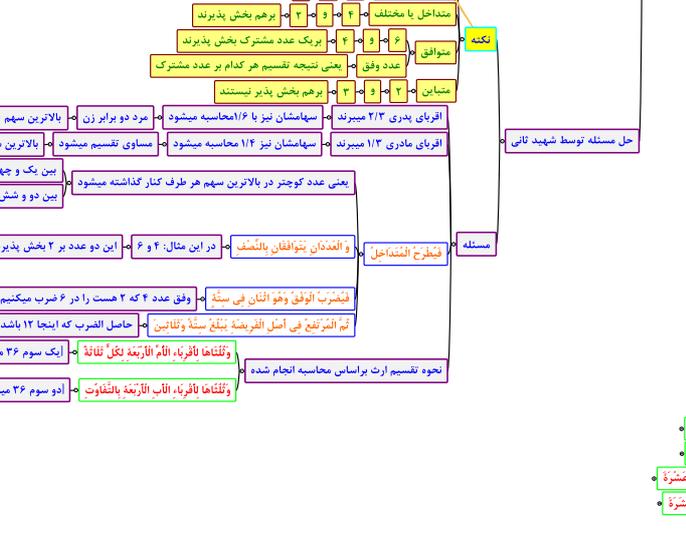
میت

الفصل الثانی: فی السهام و اهلیها

القول فی میراث الأعمام و الإخوة و فیه مسائل

حل مسئله

توضیح عبارت شهید در حل مسئله



التامة

العامه

الخادية عشرة

الثانية عشرة

القول فی میراث الأعمام و الأخوال، فیه مسائل

القول فی میراث الأزواج

الفصل الثالث: فی الوالی

الفصل الرابع: فی التوابع و فیه مسائل

المستعان بك يا صاحب الزمان

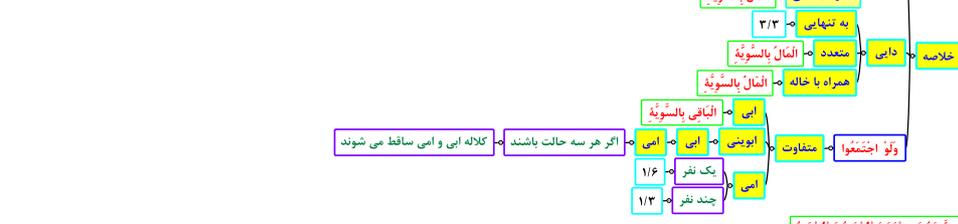
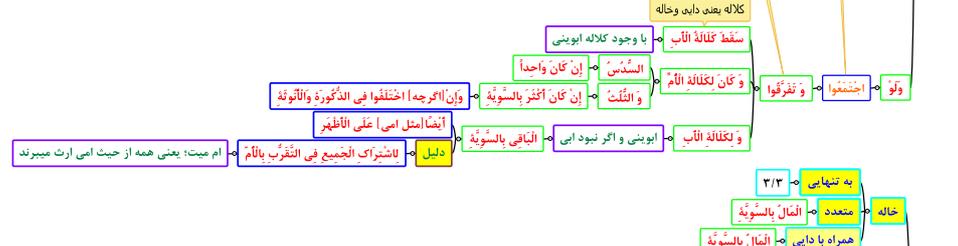
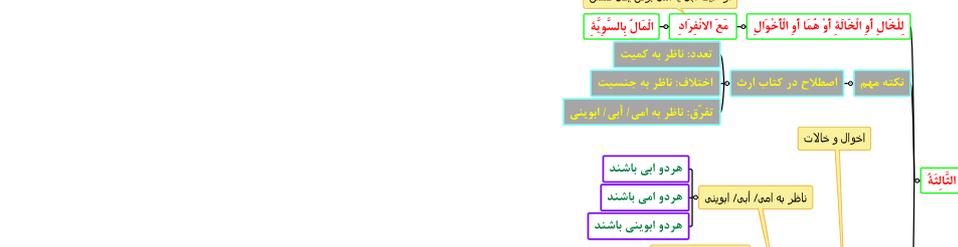
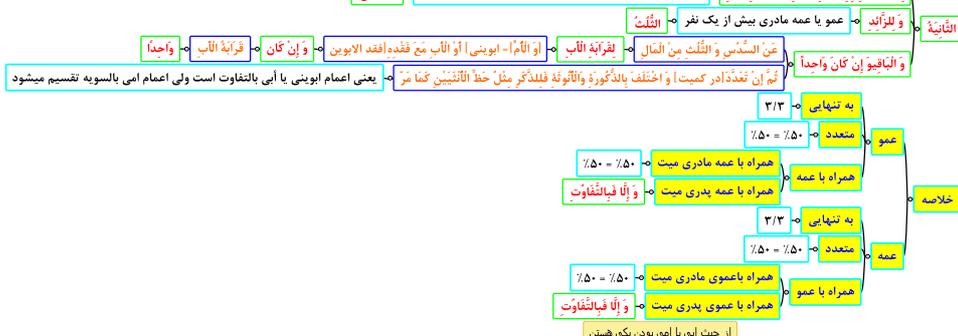
توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار ساسی و استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست یا تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعله را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند اگر در این اثر از حیت معنوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوار این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم ثواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی پسند

بسم الله الرحمن الرحيم

توجه: بیان شهیدین یا رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده است
اما هو المراد من الرهن ا - شهید اول
و يجوز تعلق - شهید ثانی

الفصل الأول في الموجبات والموانع

و هي في كتاب الله تعالى: النصف والرُبُّ والثُّمنُ والثُّلثانُ والثُّلثُ والسُدُسُ
مسائل
القول في ميراث الأجداد والأخوة وفيه مسائل



كتاب الميراث

الفصل الثاني: في السهام وأهلها

القول في ميراث الأعمام والأخوال، وفيه مسائل

الفصل الثالث: في الولاء

الفصل الرابع: في الوأبيع وفيه مسائل

القول في ميراث الأزواج

المستعان بك يا صاحب الزمان

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار ساعی در استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراسی است با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی است که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم تواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی بسند توجه: بیان شهیدین یا رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده است - [اما هو المراد من الرهن] - شهید اول و [تجاوز تلقین] - شهید ثانی

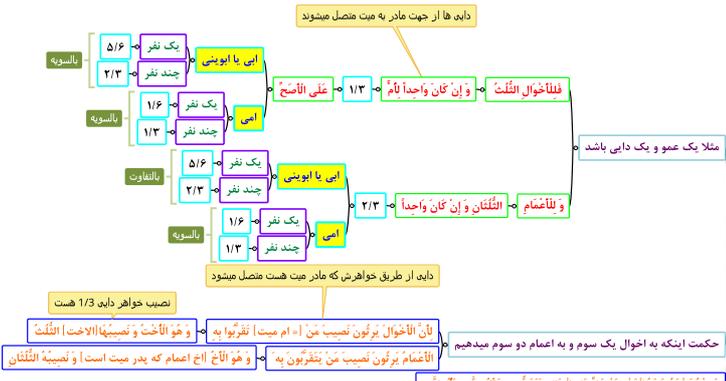
بسم الله الرحمن الرحيم

الفصل الأول في الموجبات والموانع

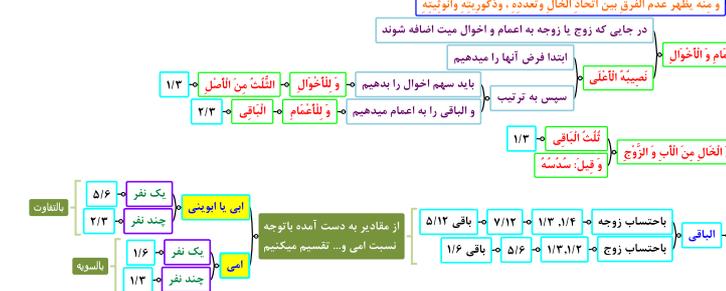
وهي في كتاب الله تعالى: النُّصْفُ وَالرُّبْعُ وَالشُّنُّ وَالشُّكَّانُ وَالثَّلَثُ وَالسُّدُسُ سَمَائِلُ الْقَوْلُ فِي مِيرَاثِ الْأَخْوَءِ وَفِيهِ سَمَائِلُ

- الأولى
الثانية
خلاصه
الثالثة
خلاصه

الرابعة: لو اجتمع الأعمام والأخوال



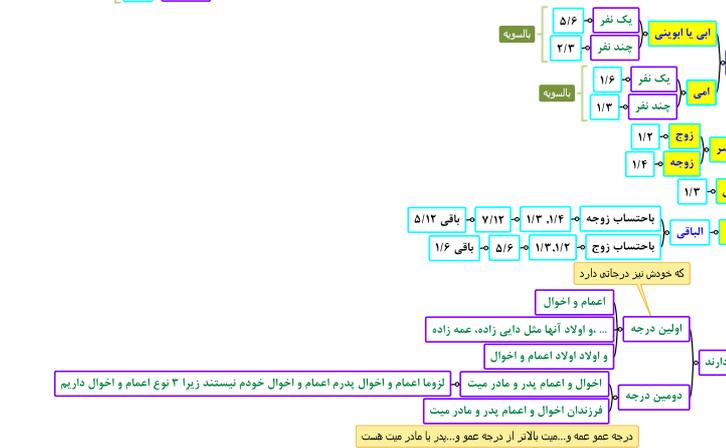
الخامسة: لو تزوج أو الزوجة مع الأعمام والأخوال



الفضل الثانی: فی السهام وأهلها

القول في ميراث الأعمام والأخوال، فيه سَمَائِلُ

السادسة: عمو وعمه وخاله ودايه ميت



الحكم



- السابعة
الثامنة
التاسعة

الفضل الثالث: فی الولاء

الفضل الرابع: فی التوابع وفيه سَمَائِلُ

كتاب الميراث

بسم الله الرحمن الرحيم

استماع تک یا صاحب الزمان

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار "سامی" و "استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی است

با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لحه را در سایت طلیعی تا اجتهاد قرار دادند

توضیحات

اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به خلیج برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم

این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی است که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود

این اثر برای استفاده آموزشی می باشد و هرگونه استفاده مالی از آن شرعاً مجاز نمی باشد

نواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه گبری سلام الله علیها به برکت "۵ صلوات محمدی بسند

توجه

بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده است

اما هو المراد من الزمان - شهید اول

و يجوز تعلیق - شهید ثانی

و هو - ایلاج البایع العاقل فی فرج امرأة مخترمة من غیر عقد و لا بملک و لا شبهة قدر الحشفة عابراً مختاراً

دخول محقق شود - ایلاج - ادخال آلت ذکوریه در فرج فیلاً و دیراً - قدر الحشفة - به اندازه حشفه - فی فرج امرأة - در فرج یک زن باشد

فرد زنا کننده - البایع - مختاراً - عابراً - علم به حرمت زنا داشته باشد

شرایط تحقق زنا

ردعه که بر وی حرام باشد

امرأة مخترمة - من غیر عقد - و لا بملک - و لا شبهة

مفعول

اگر از راه عقد یا ملکیت بین این زن و مرد حلیت جاری شود - زنا محقق نمی شود

زانی که از راه عقد بر انسان حلال اند اما در حالنی محرمه میشوند - در حال - حیض باشد - عده وفات یا طلاق باشد - نفاس باشد - قطار یا ایلا باشد

ابو حنیفه معتقد است که - زنا با محارم در صورتی رخ میدهد که بدون عقد یا آنها جماع کند - اما اگر عقد بیفوائد وطی به شبهه است

فلو تزوج الأم أو المختمنة - یعنی انسانی یا مادر خودش یا زن شوهر دار ازدواج کند

در حالیکه ظن به حلیت ازدواج یا این افراد را داشته است

ظناً العین - دلیل - عهده من الجوسیه ، ونحوها من الکفر - یعنی تازه مسلمان از مجوسیت

حکم - ظناً حد - دلیل - للشبهة و الحدود تدراً بالشبهات - صرف عقد شبهه سار نیست

مقدمات و احکام

ولا تا شهید

در اینجا شهید قید ابتدایی را باز میکند

مجرد عقد خواندن برای اثبات ظن حلیت کافی نیست - یعنی اگر بدایم این ظن را به من محرم هست، اینجا عقد یا این ظن باعث ایجاد شبهه نمیشود، و مصداق زنا است

بوضوح اصناف

یعنی شیعه معتقد است که گمان حلیت باید باشد، تا شبهه ایجاد شود

و مشکل اصلی ابو حنیفه هم غفلت از همین قید بود. یعنی ایشان میگوید حتی اگر اعتقاد به حرمت عقد هم داشتنی باز با عقد شبهه ایجاد میشود

و لا یکنی العقد یخبرده

یعنی اینجا میبکند که مرد میبواند زن را اگر کند، اما زن هم میبواند مرد را اگر کند

یا مرد میبواند اگر اها وطی کند یا خیر؟ بحث اینجا موضوعی است؛ آیا مرد مکروه تحقق خارجی دارد؟

حکم - قیداً عنه کما یدرأ عن المرأة بالاکراه - همانطور که زن مکروه، بود، حد زن از او برداشته میشود. همینطور است مرد اگر مکروه باشد

و جوب حد بعد از اثبات زنا است

یا لفرار أربع مرات

شرایط فرار

و یثبت الزنی - جمع - کمال النفر - و اختیاره - و حرثته - حر در مقابل عید که افراش نافذ نیست، چون اگر به او شلاق بزیم مولا متضرر میشود

و لکنی إشارة الأخری - المهمة یبنا باین عربی: برای خارج کردن شبهه آ کفره و بتبیین عمدتهاها - اشاره اربعا کاللفظ بطریق اوبی

فرار

و لا یجب حد الزنی الا - یاربغ - و بالینه - کما سلف

نست به شخص همین

و لا یسب الزنی الی امرأة أو نسبه الی رجل

بر مفر حد قذف جاری میشود چون اول بار او چنین نستی داده

و یجب حد القذف بأول مرة - دلیل - لانه قذف صریح

اینجا هم حد قذف میخورد - دلیل - چون نسبت زنا به دیگری داده است

فرار به زنا کرده است + یا زنی که مشهور به زنا نیست - دلیل - چون فرار به زنا کرده است

و لا یجب حد الزنا الا بأربع مرات - بر خلاف قذف حد زنا با چهار مرتبه واجب میشود

شهادت شاهدان

و کذا یثبت الزنا بالینه کما سلف

حالت اول - چهار مرد برای اثبات انواع زنا محصنه و غیر محصنه است. یعنی هم حد سنگسار و هم حد نازیه را اثبات میکند

حالت دوم - سه مرد و ۲ زن برای اثبات زانی که موجب سنگسار نیز کافی است. هم برای اثبات سنگسار و هم برای اثبات حد نازیه می باشد

حالت سوم - دو مرد و ۲ زن لفظ برای اثبات زانی که موجب حد نازیه میشود - زنا غیر محصنه. و ان ثبت بالآخر الجلد خاصة

حکم - حدوا للفریة - حد قذف بر آنها جاری میشود - هشتماد ضربه شلاق

میل سرمه در سرمدان

راههای اثبات زنا

دفع الشاهدة کامله فی المخله - من غیر علم سبب التحلیل - فعل زنا را دیدم اما نسبت به محرمیتشان اطلاعی نداشتم

لا شبهة الی الی متعلق به قول آخر ما ما تقدم من قیود تعریف الزنا بعین

امیل عدم حلیت ست - یعنی هر زن و مردی یا هم بیگانه هستند الا اینکه ثابت شود محرم هم هستند

اگر معاینه با رویت را ذکر نکنند همه شان حد میخورد

برابر بودن کیفیت مشاهده

بیته

و یشتزط

شهادت باید در یک مجلس توسط شاهدین صورت گیرد

علی الفعل الواحد - فی الزمان الواحد - و المكان الواحد

اگر دو نفر از شاهدین شهادت - و لم یترقب الإمام - منتظر اتمام شهادت نمیشود

دادن دو نفر دیگر ثابت بودن

و لو قام بعضهم بالشهادة فی حیة الباقی - و سبب دوفتر دیگر بعد از شهادت اول آمدن و شهادت دادن

فان جاء الآخرون و شهدوا - حکم - حدوا ایضاً - لفظ شرط العیول فی المناخر کاسابق

استصحاب بیته بودن شهود را میکنیم، تا قبل از اتمام میدانیم این ها شهادت زنا هستند بعد از ۶ ماه شک میکنیم از بیته بودن خود ساقط شدن، استصحاب بقای بیته بودن میکنیم

و لا یندخ قدام الزنی - قدیمی بودن زنا ضروری نیست - لاصل - فی صفة الشهادة - لاصل

حد ساقط نمیشود

و لا یسقط - بعد از شهادت ۴ نفر و اثبات حکم زنا - تصدیق الزنی الشهود - و لا ینکذبهم

توبه بعد از اثبات زنا سبب سقوط حد نمیشود

و التوبة - قبل قیام البینه یسقط الحد - عنه جلدا کان ام رجعا علی المشهور

حد ساقط میشود

یذبحوا الجهالة - جهل به حکم داشته ست - مثلا تازه مسلمان باشد

و تسقط - مع إبتکافها - ای الجهالة والشبهة - فی حقه

در نتمه بحث مع اید

علم قاضی به مسئله

و هو أقسام ثمانية

تیسر

الفصل الثانی

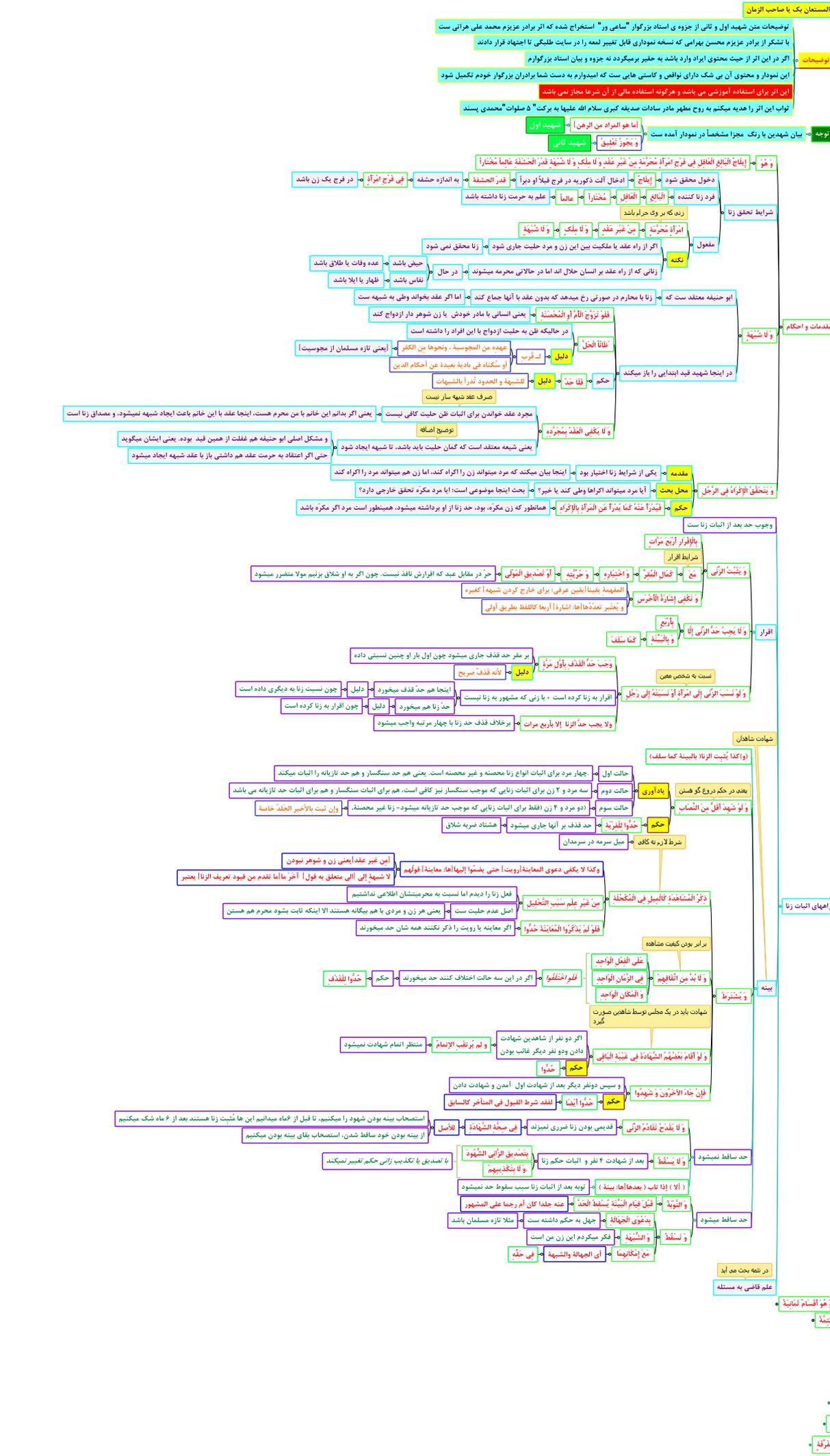
الفصل الثابت: فی الذناب

الفصل الرابع: فی السرِّب

الفصل الخامس: فی السرقه

الفصل السادس: فی المناخره

الفصل السابع: فی عقوبات متفرقه



توجه - بیان شهدین یا رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده است - **و یَجُوزُ تَلْفِيقُ** - شهید ثانی - **شهید اول** - اما هو المراد من الرهن

مقدمات و احکام

زاهای اثبات زنا

و إذا ثبت الزنی علی الوجه المذكور وجب الحد بعد از اثبات زنا حد واجب میشود

برای راند و رانیه آخراً صدود **والصمة والخالعة وبت الأخت والأخت** **الزانی بالمحرم كالأم والأخت** اما غیره من المعاصم بالمصاهرة فقط راند

و لذنی إذا زنی بمسئمة مطاوعة حال از مسلمه ای، راضیه یا زناه، او مکروهه، عاقده علیها ام ن (زن مسلمان یا مرد اهل کتاب نمیتواند ازدواج کند مطلقاً دائم یا موقت

و إذا ثبت الزنی علی وجهه الفلح و هو ن و کذا لا فرق بن النسخ و الشاب ، ولا من الصلم والكافر ، والحر والحد

زنا اخصیانی در این ۳ مورد شرط نیست یعنی خواه زانی محصن باشد خواه نباشد، حدش در این موارد قتل است

زانی محصنه (مرد شوهر دار یا زن شوهر دار یا مرد مجرد زنا کند یا هر دو همسر دار باشند) حدش سنگسار است

و لا یختار الإیمان هنا **توجه** **دلیل** **اطلاق التخصیص بقوله** اول ۱۰۰ ضربه نازایانه و سپس قتل یا شمشیر

و یجمع له بین الجلد ثم القتل علی الألفی **توجه** **دلیل** **اطلاق التخصیص بقوله** اول ۱۰۰ ضربه نازایانه و سپس قتل یا شمشیر

زنا محصنه از شلوات درونی ناشی میشود؛ چون همه شرایط برای عفاف پیشه کردنش فراهم بوده

و یجب علی المحصن إذا زنی بباله عاقله یعنی اگر زنا با بالغ و عاقل نباشد، دیگر زنا محصن نخواهد بود

زنا و مرد سر خانه و زندگی خودی رفته است - حتماً نزدیکی کرده باشد - از جلو هم دخول کرده باشد، نه از پشت

نکته خارجی - محصن در جایی است (هر وقت بخواهد بتواند دخول کند(مرد) بعد از نزدیکی اول - (دخولش واضح باشد (یعنی غیبت حشفه یا مقعدی از الت رخ داده است

صرف احصان **إصابة البائع العاقل الحر فرجاً قبله** - **مطلوباً** - ملکیت اینجا معنایش اعم است - یعنی این فرج در اختیار او است - **بالبینه التامیه أو الرقی** و الإیمان **یعدو علیه و یزوج** - امکان نزدیکی از فرج را دارد - در همه حالات میتواند، دخول کند **إصابة متلونه** - **بجیت غایت الحشفه** - دخولی که در آن حشفه غالب شود

در جای که اثبات زنا شده اما تصدیق چه زانی؟ **سائق و إن كان له منها ولد** - چون اینجا مدعی و منکر نداریم فقط یک نفر داریم که انکار میکند - لذا تصدیق میشود **فلو أنکر و زوجه** - **بأن الولد قد یخلق من استرسال المنی** - صرف بچه داشتن از زوجه اثبات نمیشود که زانی این مرد زانی محصنه باشد **و یذکر تسمیر المرأة محصنة** - همه شرایط بالا برای زن محصنه نیز صدق میکند

ایا حر احصل بودن زنا، اسلام شرط است؟ **و لا یشتري فی الإیمان الإسلام** - **فبیعت اموال احصان فی حق الکافر و الکافرة مطلقاً اذنی یا غیر ذمی** - **إذا حصلت الشرایط** یعنی میتواند زنتی را طلاق داده باشد اما زنا هم محصنه باشد، **فلو زنی المطلق أو تزوجت المطلقة عالماً بالتحريم** - زن میبایست که در عهده نیاید ازدواج کند، ازدواج کرده است **و لا عدم الطلاق** - **إذا كانت العدة زوجية** - **لأنها: مطلقة فی حکم الزوجة اول لم تکن من الرجة** - **كما لا يعتبر تکلیفها من الوطء** - در شرط دسترسی هم باید دسترسی مرد به زن باید تعریف کنیم **یخالف البائن** - یعنی اگر طلاق بائن باشد، بقیمت زنا محصنه نیست

جلد در بحث زنا ۱۰۰ ضربه شلاق برای حر و ۵۰ ضربه برای عید - **و الرجم فی المحصن** - **و إن كان شاباً** - در شیخ و شیخه هم رجم و جلد اما اگر جوان باشد فقط جلد میخورد **و الأقرب الضم بین الجلد** - **شهید اول** - طبق ایه زنا، همه زناها باید ۱۰۰ ضربه شلاق را بخورند، یعنی ایه تخصیصی نغورده است - یعنی ایشان بین روایات و آیات منافاتی نمی بیند **و قبل** - **إنما یضع بینهما اهما، و جلد علی المحصن إذا كان شیخاً أو شیخة**

اول رجم یا اول جلد؟ **یبدأ بالجلد** - **ولا وجوب الصروع ووجوب استیصال فائدته** - چون هر مرده که نمیتوانیم شلاق بزنیم، فایده ای برای او ندارد **المرأة إلى صدرها** - یعنی سینه اش هم داخل زمین قرار میگیرد **ثم تدفن** - **و الرجل إلى خوخیه** - مرد را تا کمر در خاک میکنند

اگر کسی که فرار است رجم بشود، فرار کند - اگر سستی خورده است(اولو یکی) - اگر هیچ سستی به او نغورده است - **فإن فر** - **القرار علی عله التمسیر بالذ** - **نکته** - به طور کلی رجوع از فرار، نافذ نیست **دلیل** - **و لأن الحد منی علی التخیف** - چون تدرأ العیوب بالشیبهات و حدود یا اندک شیبهه ای ساقط میشود

اولی اشخاصی که رجم میکند چه کسانی هستند؟ **و تبدأ** - اگر زنا یا بیته باشد، اولین شخصی بیته هستند **و فی النقر الإنام** - تا حاضر شوند و عبوت بگیرند و منزجر شوند از این عمل

شایسته ست وقت رجم مردم را خبر کنیم - تا حاضر شوند و عبوت بگیرند و منزجر شوند از این عمل **و ینشی عظام الناس** - **و قبل: یجب حضور طایفه** - **و قبلها واجد** - **و قبل: لثانیة** - **و قبل: عشره** - **و ینشی کون الحجاره سفاراً لثلاً یسرع لثله** - سنگ نباید خیلی بزرگ باشد و نه خیلی ریز مثل شن **و قبل: لا یزجم من لثه فی قلیه حد** - چه حدی مانع از رجم کردن در حد زنا میشود؟ - اگر بر گردن فرد قبل از حد رجم حد دیگری باشد آن حد مقدم است **چه زمان رضی تمام میشود؟**

حیا به غسل و تکفین بخورد **حیا** - یعنی زمانی دفن میشود و نماز میخوانند که این فرد غسل و کفن حیا کرده باشد **مردود ست** - **نکته** - در صورتی که حیا به غسلی علیه بخورد **او بیجا** - غسل و کفن حیا داده نشده **او بالتفریق** - مثلاً غسل اش را داده است ولی کفن نکرده است **و یا جهر لم دفن** - اگر غسل و کفن حیا داده نشده است - پس باید میت را به وسیله غسل تکفین و سلاه تجهیز کنند

و تانیة الجلد خاصه **و رابعها: الجلد و العز و القرب** **و خامسة: حشون جلدة** **و سادسة: الحد المتکون** **و سابعة: الضمت المشتمل علی العقد** **و ثامنة: العقود و عقوبة زناه**

تتمه **الفصل الثانی** **الفصل الثانی: فی الذف** **الفصل الثانی: فی الشرب** **الفصل الثانی: فی السرقة** **الفصل الثانی: فی الخاریة** **الفصل الثانی: فی عقوبات متفرقة**

نویسحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار "سامعی و" استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هزانی است با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر نموده را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند

اگر در این اثر از جیت محتوی ایراد وارد باشد به جفیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوار

این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هائی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود

این اثر برای استناد آموزشی می باشد و هرگونه استفاده مالی از آن شرعاً مجاز نمی باشد

نواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت "۵ صلوات" محضدی بسند

کتاب الحدود

نویسحات

المستعان بك يا صاحب الزمان

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار "ساعی" استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود این اثر برای استفاده آموزشی می باشد و هر گونه استفاده مالی از آن شرعاً مجاز نمی باشد

نوبت: بیان شهدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست
شهادت: اما هو المراد من الرهن اول شهید اول
و یجوز تعلیق شهید ثانی

مقدمیات و احکام
زاهای اثبات زنا

و اذا ثبت الزانی علی الوجه المذكور وجب الحد

و هو حد
المرأة إذا زنی بها طفلاً
و لو زنی بها المجنون فعليها الحد تماماً (رجم)
و الأقرب عدم ثبوتها علی المجنون
و یجوز الحد الجلد
و یفرق
دلیل: لقوله تعالی: "ولا تأخذکم بهما رافه"

و یجن
و المرأة
دلیل: لئلا یندو جسدھا فانه عورة
عنی الذکر العزیر المخصن
مرد آزاد ازدواج کرده است اما دخول نکرده است
و ان لم ینلک
مجرد صرف است
یعنی اصلاً ازدواج نکرده است
و قبل: یخصن التفریب بمن املک
جلد و جز برای هر دو است
اما تفریب فقط برای نامزد دارست که دخول نکرده است

و الجز
و الجز
تفریب کل شخص بحسب است
دون غیره کاللیحی
فقط سر تراشیده میشود نه جای دیگر مثل صورت
و غیره سواء فی ذلک التفریب
هر دو وجه صحیح است: اسم مفعول: موی رسیدگی شده / اسم فاعل: یعنی شخصی که به موی رسیدگی میکند

و التفریب
مدت: عاماً
حکم تراشیدن سر و تعبد بر زن جاری نمیشود
یک سال قهری
تفریب که به شهر دیگر تبعید میشود
همه هزینه های خوراک و پوشاک هم به عهده خودش باشد
در غیر اینصورت به نفع خود زانی نیز می باشد
بل مطلق وطنه
یعنی شهر تشریفی شرط نیست ممکن است کسی در روستا باشد، باید از روستا تبعید بشود

و لا جز علی المرأة و لا تفریب
دلیل: لأصالة البراءة
در زن نصی نداریم، شک میکنیم این حکم برای زن است یا نه
بلک فقط ۱۰۰ ضربه شلاق
بلک فقط ۱۰۰ ضربه شلاق

و هی فی حد المملوک و المملوکه و ان کانا متزوجین
و خایسته: خنسون جلد
و لا جز و لا تفریب علی احدثهما
من حد الأحرار بقدر ما فیه من الحرّیة
و من حد العیبد بقدر العبودیة
اینجا شخص مجرم برضی سخت دارد
عدم احتمال الضرب المکرر
این حکم برای مریض ست همراه با عدم توانایی تحمل ضربه پشت سر هم
و اقتضی المصلحة التخییل
مصلحت در این است که سریعاً حدش اجرا شود
چون اگر با تأخیر باشد، منفسده اش بیشتر دارد
حکم ثانوی است که به خاطر شرایط طفل است

و سابعها: الضغث المشتمل علی العتد
حکم: لذا اینجا به جای ۱۰۰ ضربه شلاق
صد شاخه خرما را جمع میکنیم و یک ضربه به آن ۱۰۰ ضربه میزنیم
ضربه ای به مریض یا سفت وارد کردیم، و بعداً بهبود یافت، آیا دوباره لازم است به طور طبیعی حدش بزنیم؟
انلا یجب إعادة بعد بركة یهبود یافتن مجرم اطلاقاً چه مجموعاً و چه تکی تکی ۱۰۰ ضربه را زدیم
جلد به خاطر جرم و تعزیر به خاطر هتک آن زمان یا مکان مقدس

و سابعها: الجلد و عقوبة زیادة
شهر رمضان لیلاً أو نهاراً
و ان کان النهار اعلط حرمة
أو غیره من الأزمات الشریفة
کیوم الجمعة و عرفة، و العید
کالمسجد، و الحرم التفسیر حرم در کتاب حج آمد، و المشاهد المشرفة
هر جعفر حاکم صلاح بداند
و ترجع فی الزيادة إلى الحاكم
امثال شارح به شهید اول
حکم: و لا فرق بین آن یکون مع الجلد رجم و غیره
فرقی نمیکند همراه با شلاق، غیر شلاق هم باشد یا خیر، مثلاً حد جلد با رجیم باشد، باز هم تعزیر را میزنیم
در هر حد زانی در مکان یا زمان مجرم اتفاق بیفتد، عقوبت زاید دارد

- الفصل الثانی
- الفصل الثابت: فی القذف
- الفصل الرابع: فی السرب
- الفصل الخامس: فی السرفه
- الفصل السادس: فی السخاربه
- الفصل السابع: فی عقوبات متفرقة

كتاب الحدود

کتاب الحدود

بسم الله الرحمن الرحيم

استخراجه یک یا صاحب الزمان
توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار "ساعی و ر" استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست
با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طبلیگی تا اجتهاد قرار دادند
اگر در این اثر از حدیثی محتوی ایراد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم
این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نوافض و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود
این اثر برای استفاده آموزشی می باشد و هرگونه استفاده مالی از آن شرعا مجاز نمی باشد
توابع این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت "۵ صلوات محمدی پسند

توجه: بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده است

مقدمیات و احکام
راههای اثبات زنا
و نحو اقسام ثمانیه
و لو حملت و لا یعلم

الفصل الأول: فی الزنی

تیمم

حالات مختلف اقرار

و لو اقرتم انکر

و لو اقر بعد لم تاب

محل نزاع

حکم

شرایط

سقوط حد

انکار بعد اقرار

نظر

بل هنا

شاهد ثانی

حکم قتل هم باشد

انکار اقرار در مورد حکم زنا یا معارم و تجاوز به عتف چطور؟

قسط در صورت اقرار

دلیل

جواب مصنف گفت

این ادیس

اقامه حد را جنس قرار داده

و جنم اقامه لو کان جلدنا محتجاً

اصالة البقاء این حد وقتی شک کنیم

بمسأله البقاء

اولاً

تعلیل الحد المنهی عنه

ثانیاً

استزمام التخییر

تعلیل الحد المنهی عنه

ثانیاً

فی غیر موضع الوفاق

و یشعی علی قول ابن ادریس الحاق ما یوجب القتل بالرجم

لتعلیله: اذ سقوط رجم ا بانه اذ حد رجم ا یوجب تلف النفس بخلاف الجلد

چون نوعاً جلد موجب تلف نفس نمیشود

عقوبات متفرقه

الفصل الثانی

الفصل الثانیة فی اللذق

الفصل الرابع فی الشرب

الفصل الخامس فی السرقة

الفصل السادس فی الخمار

الفصل السابع فی عقوبات متفرقه

قول اول

قول دوم

محل نزاع

حکم

شرایط

سقوط حد

انکار بعد اقرار

نظر

بل هنا

شاهد ثانی

حکم قتل هم باشد

انکار اقرار در مورد حکم زنا یا معارم و تجاوز به عتف چطور؟

قسط در صورت اقرار

دلیل

جواب مصنف گفت

این ادیس

اقامه حد را جنس قرار داده

و جنم اقامه لو کان جلدنا محتجاً

اصالة البقاء این حد وقتی شک کنیم

بمسأله البقاء

اولاً

تعلیل الحد المنهی عنه

ثانیاً

استزمام التخییر

تعلیل الحد المنهی عنه

ثانیاً

فی غیر موضع الوفاق

و یشعی علی قول ابن ادریس الحاق ما یوجب القتل بالرجم

لتعلیله: اذ سقوط رجم ا بانه اذ حد رجم ا یوجب تلف النفس بخلاف الجلد

چون نوعاً جلد موجب تلف نفس نمیشود

عقوبات متفرقه

الفصل الثانی

الفصل الثانیة فی اللذق

الفصل الرابع فی الشرب

الفصل الخامس فی السرقة

الفصل السادس فی الخمار

الفصل السابع فی عقوبات متفرقه

حد اطفال را خود شخص فقط مینواید فصلیه کند

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

تا 100 بوزیم تا هر جا که مجرم گفت

بس است، بس است، مثلا ۳۰ تا ۴۰

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

تا 100 بوزیم تا هر جا که مجرم گفت

بس است، بس است، مثلا ۳۰ تا ۴۰

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

تا 100 بوزیم تا هر جا که مجرم گفت

بس است، بس است، مثلا ۳۰ تا ۴۰

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

تا 100 بوزیم تا هر جا که مجرم گفت

بس است، بس است، مثلا ۳۰ تا ۴۰

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

یعنی بگوید بس است و دیگر مرا نزنید

یا تعداد تازیانه به 100 برسد

خورد و گفت بس است، کافی است

شهاد اول حد اکثر حد را 100 ضربه در نظر گرفته

المستعان بك يا صاحب الزمان

توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار "ساعی و ر" استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند
اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم
این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود
این اثر برای استفاده آموزشی می باشد و هرگونه استفاده مالی از آن شرعا مجاز نمی باشد
توابع این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت " ۵ صلوات " محمدی پسند
توجه: بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست
اما هو المراد من الرهن [شهید اول]
و یجوز تعلیق [شهید ثانی]

بسم الله الرحمن الرحيم

الفصل الأول: فی الزنی

ابی اللواط

تعریف: وَ هُوَ ذَكَرُ امَايِدِنَا فَرَجَ الْمَرْءَةَ بِفَرْجِ أُخْرَى - همان لواط است اما در بین زنان
چهار مرد عادل
شهادت پ: شَهَادَةُ أَرْبَعَةِ رِجَالٍ - عدول ، لا بشهادة النساء منفردات ولا منضبات - شهادت زن به تنهایی یا به همراه مرد کفایت نمیکند
أو الإفراق أربعاً - من البالغة إِبْخَافٍ صبيبه | الرشيدة | إِبْخَافٍ مجنونه | الحرّة | إِبْخَافٍ عبدة | المختارة | إِبْخَافٍ اجبار شده کاترنا
و حده مائة جلدة - حرّة كانت أو أمّة - مسلمة أو كافرة - محضنة أو غير محضنة - فاعلة أو مفعولة
و تقتل فی الرأبه لو تكررت الحة ثلاثا - اگر بر فاعل سه مرتبه حد جاری شد در مرتبه چهارم کشته میشود
قبل النینة - حکم - سقط الحد - توبه بعد از یبته سبب سقوط حد نمیشود
و لو تابت - لا إذا تابت بعدها - کاترنا واللواط - بین - العفو - (و الإستيفاء اقامه حد)
و یختیر الإمام لو تابت بعد الإفراق - کاترنا واللواط - بین - (و الإستيفاء اقامه حد)

و السق

اگر در زن اجنبی را تحت لحاف عربان بافتند
در مرتبه اول - بما لا يبلغ الحد - یعنی سحق با هم نکردن که حد بخورند
در مرتبه دوم - فان عورتا مع تكرور الفعل مرتین - بازهم شامل حد نمیشوند
در مرتبه سوم - حدتا فی الثالثة - بازهم شامل حد نمیشوند
در مرتبه چهارم و پنجم - فان عادتا عورتا مرتین - بازهم شامل حد نمیشوند
در مرتبه ششم - ثم حدتا فی الثالثة - به همین ترتیب بعد از هر دو بار تعزیر یک بار حد زده می شوند - یعنی ۳ تا ۳ حد میخورد
و علی هذا - این بجه که از راه سحق به وجود آمده است، برای چه کسی است؟

الفصل الثانی

مقدمه: یک نفر با زن خودش جماع کرده است - و این خانم یا زن دیگر که باکره است، سحق کرده است - و این خانم دوم باردار شده است
علت فرض باکره بودن زن - اگر باکره نباشد یعنی متأهل باشد، طبق قاعده فراش (الولد للفراش) بچه برای شوهر زن دوم (زنی که مفعول واقع شده و حامله شده) است
و لو وطئ زوجته فساحت بکراً فحملت - فالولد للرجل - شرعا این بچه مادر ندارد اما پدر دارد
و تحدان - العراتان حد السق ، لعدم الفرق فی بین المحضنة وغيرها - خبیثه اول که فاعل بوده است و موجب حامله شدن خبیثه دوم شده است، باید مهر مثل این باکره را بدهد
و یلزمها ضمان مهر مثل البکر - دلیل - لأنها اها: خبیثه اول سبب فی اذهاب عذرتها - زیرا پرده بکارتش در هنگام وضع حمل، از بین میرود

كتاب الحدود

دلاله گناهان جنسی

تعریف: الجمع بین فاعلی الفاحشه - من الزنا و اللواط و السق
بالیافراق: ولو اقر مرة واحدة عزر - تعزیر میشود اما حد نمیخورد
و یثبت: مرتین من الکامل المختار - حد ثابت میشود
شهادت: أو شهادة شاهدين
نکته: درزنا، لواط و سق - اقرار باید ۴ مرتبه باشد تا حد ثابت بشود
در یبته باید ۴ شاهد عادل باشند
مشارک بین مرد و زن: و الحد خمس و ستون جلدة - حرّا کان أو عبداً - هفاد پنج صربه
مخصوص مرد: یخلق رأسه - سرش تراشیده میشود
و یسهر - در شهر گردانده میشود
و یفنی بأول مرة - با اولین مرتبه تبعیدش میکنند البته مدت زمان به دست حاکم ست
و لا جز علی المرأة و لا شهرة و لا نفی - مشابه یحت زنا این احکام بر زن جاری نمیشود
دو قانون کلی در حدود: تأخیر در حدود نیست - کفالت در حدود نیست

و الفیادة

محل یحت: آیا میتوانیم وثیقه بگذاریم تا الان حد زده نشود بلکه بعداً حد خورده بشود؟
تفاوت کفالت و ضمانت: در کفالت، شخص احضار شخص دیگر را ضامن میشود
تفاوت ضمانت و ضمانت: بخلاف ضمانت که شخص ضامن مال دیگری میشود
نکات: البته در برخی جاها امکان تأخیر حد هست - مثلاً: جایی که قاضی نباشد، میشود حد را به تأخیر انداخت
استثنا دو قانون:
مثال برای عذر: مع العذر - شورش به پا میشود، و طرفداران مجرم دادگاه را آتش میکنند
مثال برای ضرر: أو توجه ضرر - مجرم مریض است و اگر بخواهیم حد بزنیم، از بین میرود
بعضی حدود حق الناس هم داخل اش اس، مثل حد سرقت اولش حق الناس است و بعد حق الله است چون روایت داریم
و لا شفاعة فی إسقاطه - لأنه حق الله ، أو مشترک و لا شفاعة فی إسقاط حق الله تعالی - بعضی حدود حق الناس هم داخل اش اس، مثل حد سرقت اولش حق الناس است و بعد حق الله است چون روایت داریم

الفصل الثالث: فی القذف

الفصل الرابع: فی الشرب

الفصل الخامس: فی السرقة

الفصل السادس: فی المحاربة

الفصل السابع: فی عقوبات متفرقة

